

بیت



فرہنگ مواسات

در آموزہ های مکتب اہل بیت (علیہم السلام)



جمع آوری: حجت الاسلام فتحی از اساتید حوزه علمیه قم



فهرست مطالب

| | |
|----|--|
| ۳ | مواسات |
| ۳ | مواسات لازمه حیات مومنانه |
| ۲۹ | فرار از غیر مواسی |
| ۳۰ | رسیدگی به همسایگان (اقتصاد و معیشت) |
| ۳۱ | مواسات مالی (اقتصاد و معیشت) |
| ۳۲ | انفاق دوستی (اقتصاد و معیشت) |
| ۳۳ | دیدارها و پیوندها (اقتصاد و معیشت) |
| ۳۴ | ولایت اهل بیت «ع» و مواسات (اقتصاد و معیشت) ورع = زهد = کفاف ... |
| ۳۵ | مواسات و ایمان واقعی |
| ۳۵ | مواسات، عمل صالح |
| ۳۶ | مواسات، رشد عقلی |
| ۳۷ | جلوگیری از درخواست |
| ۳۷ | برادری و «اینثار مالی» |
| ۳۸ | امام سجاد و مؤاسات |
| ۳۹ | وسعت خانه |
| ۴۳ | محدودیت در خوردن و آشامیدن: |

مواسات

مواسات لازمه حیات مومنانه

۱ النبی «ص»: یكون أمّتی فی الدنّیا علی ثلاثة أطباق ... و أمّا الطّبّق الثّانی فإنّهم یجمعون المال من أطيّب وجوهه و أحسن سبيله، یصلون به أرحامهم، و یبرّون به إخوانهم، و یواسون به فقراءهم ...^۱؛ پیامبر «ص»: أمّت من در دنیا بر سه طبقه‌اند ... اما طبقه دوم آن کسانی که مال را از پاکیزه‌ترین وجه و بهترین راه فراهم می‌آورند، و از آن برای صلّه رحم به خویشاوندان خود می‌بخشند، و به برادران دینی خود نیز کمک می‌کنند، و فقیران را در مال خود شریک می‌سازند ...

۲ الإمام علی «ع»: ما حفظت الأخوة بمثل المّوأساة. ۲؛ امام علی «ع»: هیچ چیز مثل مواسات از برادری پاسداری نمی‌کند.

۳ الإمام الباقر «ع»: یا ابن أرطاء! کیف تواسیکم؟ قلت: صالح یا أبا جعفر قال: یدخل أحدکم یده فی کیس أخیه فیأخذ حاجته إذا احتاج إلیه؟ قلت: أمّا هذا فلا. فقال له: لو فعلتم ما احتجتهم؟^۲

^۱ (۱). «بحار» ۷۷ / ۱۸۴.

^۲ (۲). «غرر الحکم» / ۳۰۹.

^۳ (۳). «بحار» ۷۸ / ۱۸۵، از کتاب «کشف الغمّة فی معرفّة الأئمّة-ع».

امام باقر «ع»: ای پسر ارطاة! مواساتان چگونه است؟ گفتم: خوب، ای ابو جعفر. فرمود: آیا کسی از شما دست در جیب برادرش می‌کند و اگر محتاج باشد به اندازه نیاز خود بر می‌دارد؟ گفتم: اما این نه! فرمود: اگر چنین می‌کردید محتاج نمی‌شدید.

۴ الإمام الصادق «ع»: للمؤمن على المؤمن سبعة حقوق واجبة له، من الله عزّ وجلّ، والله سائله عما صنع فيها: ... والمؤاساة له في ماله.^۴

امام صادق «ع»: مؤمن را بر مؤمن هفت حق واجب است، از سوی خدای بزرگ، و خدا در باره آنچه هر شخص در آن خصوص انجام داده است از او خواهد پرسید ... (از جمله) مواسات با مؤمن (یعنی مشارکت دادن او در مال خویش).

۵ الإمام الصادق «ع»: حقّ المسلم على المسلم أن لا يشبع و يجوع أخوه، و لا يروى و يعطش أخوه، و لا يكتسى و يعرى أخوه، فما أعظم حقّ المسلم على أخيه المسلم...^۵

امام صادق «ع»: حقّ مسلمان بر مسلمان این است که در صورت گرسنه بودن برادرش سیر نباشد، و اگر او تشنه است، سیراب نشود،

^۴ (۱) «خصال» ۱/۲ / ۳۵۱.

^۵ (۲) «اصول کافی» ۱/۲ / ۱۷۰.

و اگر او برهنه است لباس اضافی نپوشد، پس چه بزرگ است حقّ
مسلمان بر برادر مسلمان خود ...

۶ الإمام الصادق «ع»: يا مفضل! كيف حال الشيعة عندكم؟
قلت: جعلت فداك! ما أحسن حالهم، و أوصل بعضهم بعضا، و
أبر بعضهم ببعض. قال: أيجيء الرجل منكم إلى أخيه فيدخل
يده في كيسه و يأخذ منه حاجته، لا يجبهه و لا يجد في نفسه
ألما؟ قال: قلت: لا و الله ما هم كذا. قال: و الله لو كانوا، ثم
اجتمعت شيعة جعفر بن محمد على فخذ شاه لأصدرهم.^۶

امام صادق «ع»: ای مفضل! احوال شیعیان حدود شما چگونه است؟
گفتم:

فدایت شوم، حالشان خوب است، بعضی به بعضی دیگر رسیدگی
می‌کنند، و برخی در باره برخی نیکی روا می‌دارند؛ فرمود: آیا یکی
از شما به نزد برادرش می‌آید تا دست در جیب او کند و به اندازه
نیاز خود از آن بردارد، و آن برادر، جلو او را نگیرد و در دل خود
ناراحتی احساس نکند؟ گفتم: نه به خدا، آنان در این حد نیستند.
فرمود: به خدای سوگند که اگر چنین بودند، و آنگاه همه شیعیان
جعفر بن محمد بر سر سفره‌ای در کنار یک ران گوسفند
می‌نشستند، همان کفایتشان می‌کرد.

^۶ (۱) «بحار» ۷۴ / ۲۳۲، از کتاب «فضاء الحقوق».

* چه بسا اگر برادرانی بودند که به مالکیت برادرانه اجتماعی اعتقاد می‌داشتند، و آن را تحقق می‌بخشیدند، و هر یک از مال دیگران قانعانه و برادرانه استفاده سالم می‌کرد، چیز اندک برای ایشان بسنده می‌شد.

و از آن جهت چنین است که بیشتر نیازمندیهای انسان نیازهای دروغین است که آزمندی و قانع نبودن اشخاص را به طلب و جستجوی آنها برمی‌انگیزد. و منشأ همه اینها ناآگاهی از حقیقت زندگی و هدفهای آن است، لیکن در صورت وجود معیشت سالم، اندکی برای شما بسیاری بسنده است، و معیشت ناسالم بسیاری را از بهره‌مندی باز می‌دارد.

۷ الإمام کاظم «ع»: یا عاصم! کیف أنتم فی التّواصل و التّواسی؟ قلت: علی أفضل ما کان علیه أحد. قال: أ یأتی أحدکم إلی دکان أخیه أو منزله عند الضّائقة فیستخرج کیسه و يأخذ ما یحتاج إلیه فلا ینکر علیه؟ قال: لا. قال: فلستم علی ما أحبّ فی التّواصل. ۷

امام کاظم «ع»: ای عاصم! در رسیدن به حال یک دیگر و مواسات چگونه‌اید؟ گفتم: به بهترین حالی که می‌تواند باشد، فرمود: آیا یکی از شما ممکن است - به هنگام تنگدستی - به دکان یا منزل برادرش

۷ (۱) «بحار» ۷۴ / ۲۳۱ - ۲۳۲، از کتاب «قضاء الحقوق».

بیاید، و از جیب وی به اندازه‌ای که نیازمند است بردارد و هیچ از او جلوگیری نشود؟ گفتم: نه.

فرمود: پس در پیوند داشتن با هم چنان که من دوست دارم نیستید!
۸ الإمام الرضا «ع»: اعلم - یرحمک اللّٰه - أن حقّ الإخوان واجب فرض لازم ... و هم حصونکم الّتی تلجأون إليها فی الشّدائد فی الدّنیا و الآخرة ... لا تدعوا نصرتهم و لا معاونتهم، و ابدلوا النّفوس و الأموال دونهم، و الإقبال علی اللّٰه جلّ و عزّ بالدّعاء لهم، و مؤاساتهم و مساواتهم فی کلّ ما یجوز فیهِ المساواة و المؤاساة...^۸

امام رضا «ع»: بدان - خدایت بیامرزاد - که مراعات حقّ برادران واجب و لازم است ... و آنان دژهای شمایند که در سختیهای دنیا و آخرت به آنها پناه می‌برید ... از یاری کردن به آنان خودداری نکنید، و در این راه از بذل مال و جان دریغ مدارید، و رو به خدای بزرگ کنید و به دعا کردن در حقّ ایشان بپردازید، و در هر چه مواسات و مساوات روا است با ایشان به مساوات و مواسات رفتار کنید.

۹ الإمام الرضا «ع» - قال علیّ بن شعیب: دخلت علیّ ابي الحسن الرضا «ع» فقال لی: یا علیّ! من أحسن النّاس معاشاً؟

^۸ (۲). «بحار» ۷۴ / ۲۲۶ - ۲۲۷.

قلت: أنت يا سيدي أعلم به منّي فقال «ع»: يا عليّ! من حسن معاش غيره في معاشه.^۹

امام رضا «ع» - علی بن شعیب می گوید: بر ابو الحسن الرضا «ع» وارد شدم، او به من فرمود: یا علی! زندگی چه کسی از همه نیکوتر است؟ گفتم: تو - ای آقای من - در این باره از من داناتری، فرمود: یا علی! زندگی کسی که زندگی دیگری را تأمین کند.

۱۰ الإمام عسکری «ع»: قوله عزّ و جلّ: «و آتوا الزّکاة»، ای من المال و الجاه و قوّة البدن؛ فمن المال مؤاساة إخوانک المؤمنین ...^{۱۰}

امام عسکری «ع»: در باره این آیه: «و آتوا الزّکاة»، یعنی از مال و جاه و نیروی بدنی زکات دهید: از مال به مواسات کردن با برادران مؤمن خود ...^{۱۱}.

أ- حقوقی عمومی غیر از زکات

۱ التّبیّ «ص» - فیما رواه الإمام الصّادق «ع»: جاء رجل إلى النّبیّ «ص» قال:

^۹ (۱) «تحف العقول» / ۳۳۰.

^{۱۰} (۲) «بحار» / ۷۴ / ۲۲۸.

^{۱۱} . ترجمه الحیاه ج ۶، ص ۶۸۲ - ۶۸۶.

یا رسول اللّٰه! أ فی المال حقّ سوی الزّکّاه؟ قال: نعم، علی المسلم أن یطعم الجائع إذا سأله، و یکسو العاری إذا سأله. قال: إنّه یخاف أن یشکّ کاذبا. قال: أ فلا یخاف صدقه؟^{۱۲}

پیامبر «ص» - به روایت امام صادق «ع»: مردی نزد پیغمبر «ص» آمد و گفت: یا رسول اللّٰه! آیا در مال حقّی پرداختنی جز زکات وجود دارد؟ فرمود: آری، بر مسلمان واجب است که گرسنه را هر گاه درخواست خوراک کرد سیر کند، و برهنه را چون جامه خواست بپوشاند. (مرد) گفت: بیم آن دارد که سائل دروغ بگوید؟ فرمود: چرا از راست گفتن سائل بیم ندارد؟

۲ النّبیّ «ص» - فیما رواه الإمام الرّضا «ع»، عن آبائه، عن أمير المؤمنین علیّ بن أبی طالب: قیل: یا نبیّ اللّٰه! أ فی المال حقّ سوی الزّکّاه؟ قال: نعم، برّ الرّحم إذا أدبرت، وصله الجار المسلم، فما أقرّ بی من بات شعبان و جاره المسلم جائع ...^{۱۳}

پیامبر «ص» - به روایت امام رضا «ع»، از پدرانش، از امیر المؤمنین علیّ بن ابی طالب «ع»: کسی پرسید که یا نبیّ اللّٰه! آیا بر مال حقّی جز زکات هست؟ فرمود: آری، صلّه رحم کردن به خویشاوندی که

^{۱۲} (۳). «بحار» ۷۵ / ۴۶۱؛ از کتاب «جامع الاخبار».

^{۱۳} (۱). «امالی» شیخ طوسی ۲ / ۱۳۴.

به او پشت کرده است، و به زندگی همسایه مسلمان رسیدگی کردن؛ هر کس با گرسنه بودن همسایه‌اش سیر به خواب رود، به پیامبری من ایمان نیاورده است ...

۳ النَّبِيُّ «ص»: «إِنَّ فِي الْمَالِ حَقًّا سَوَى الزَّكَاةِ. ثُمَّ قَرَأَ: «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...»^{۱۴}

پیامبر «ص»: در مال حقی جز زکات وجود دارد، سپس این آیه را خواند: «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...».

۴ الإمام علي «ع»: زكاة المال، الإفضال.^{۱۵}

امام علی «ع»: زکات مال، بخشندگی است.

۵ الإمام علي «ع»: زكاة اليسار، برّ الجيران وصله الأرحام.^{۱۶}

امام علی «ع»: زکات توانگری (و فراخی روزی)، نیکی کردن به همسایگان است و رسیدن به خویشاوندان.

^{۱۴} (۲) «الغدیر» / ۸ / ۳۵۲.

^{۱۵} (۱) «غرر الحکم» / ۱۸۸.

^{۱۶} (۲) «غرر الحکم» / ۱۸۸.

۶ الإمام علی «ع»: زکاة النّعم، اصطناع المعروف^{۱۷}

امام علی «ع»: زکات نعمتها، نیکی کردن به دیگران است.

۷ الإمام الصادق «ع» - سماعه قال: سألته عن قول الله: «الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ»؟ فقال: هو ما افترض الله في المال سوى الزّكاة. و من أدّى ما فرض الله عليه فقد قضى ما عليه.^{۱۸}

امام صادق «ع» - سماعه بن مهران می گوید: از آن امام «ع» در باره این آیه پرسیدم: «الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ...»، فرمود: مقصود حقی است که خدا در مال علاوه بر زکات مقرر داشته است. هر کس آنچه را خدا بر او واجب کرده است بپردازد، هر چه را بر عهده داشته به انجام رسانیده است.

۸ الإمام الصادق «ع» - المفضل الجعفی قال: كنت عند أبي عبد الله «ع»، فسأله رجل: في كم تجب الزّكاة من المال؟ فقال له: الزّكاة الظاهرة أم الباطنة تريد؟ فقال: أريدهما

^{۱۷} (۳) «غرر الحکم» / ۱۸۸.

^{۱۸} (۴) «تفسیر عیاشی» / ۲ / ۲۰۸.

جميعا. فقال: «أما الظاهرة، ففي كل ألف، خمسة و عشرون، و
أما الباطنة، فلا تستأثر على أخيك بما هو أحوج إليه منك».^{۱۹}

امام صادق «ع»- مفضل جعفی می گوید: نزد امام صادق «ع» بودم
که مردی از او پرسید: بر چه اندازه مال زکات واجب است؟ فرمود:
مقصودت «زکات ظاهره» (رسمی) یا «زکات باطنه» (غیر رسمی)
است؟ گفت: هر دو را منظور دارم. فرمود: «زکات رسمی، در هر
هزاری بیست و پنج است،^{۲۰} و زکات غیر رسمی، آن است که از
برادرت آنچه را که بیش از خود تو به آن نیازمند است دریغ مداری».

۹ الإمام الصادق «ع»: المعروف شيء سوى الزكاة، فتقربوا إلى
الله عزّ و جلّ، بالبرّ و صلّة الرّحم.^{۲۱}

امام صادق «ع»: کار خیر (نیکی در حق کسی)، چیزی جز زکات
است، پس با نیکوکاری و صلّه رحم (نگاه داشتن رابطه خویشاوندی
و رسیدگی به معیشت خویشان)، به خداوند تقرّب جوید!

۱۰ الإمام الصادق «ع»- عن أبي بصير قال: كنا عند أبي عبد
الله «ع» و معنا بعض أصحاب الأموال، فذكروا الزكاة، فقال أبو

^{۱۹} (۱) «کافی» ۳ / ۵۰۰.

^{۲۰} (۲). یعنی: یک چهارم (۱ / ۴۰)، برای تفصیل «زکات رسمی»، به کتابهای فقهی مراجعه
شود.

^{۲۱} (۳) «کافی» ۴ / ۲۷.

عبد الله «ع»: إِنَّ الزَّكَاةَ لَيْسَ يَحْمَدُ بِهَا صَاحِبَهَا، وَإِنَّمَا هُوَ شَيْءٌ ظَاهِرٌ، إِنَّمَا حَقَّنَ بِهَا دَمَهُ وَ يَسْمَى بِهَا مُسْلِمًا، وَ لَوْ لَمْ يُوَدِّهَا لَمْ تَقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ. وَ إِنِّ عَلَيْكُمْ فِي أَمْوَالِكُمْ غَيْرَ الزَّكَاةِ فَقُلْتُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ! وَ مَا عَلَيْنَا فِي أَمْوَالِنَا غَيْرَ الزَّكَاةِ؟ فَقَالَ: سَبْحَانَ اللَّهِ! أَمَا تَسْمَعُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: «وَ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ * لِلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ *»؟ قَالَ: قُلْتُ فَمَا ذَا الْحَقِّ الْمَعْلُومِ الَّذِي عَلَيْنَا؟ قَالَ: هُوَ الشَّيْءُ يَعْمَلُهُ الرَّجُلُ فِي مَالِهِ، يُعْطِيهِ فِي الْيَوْمِ، أَوْ فِي الْجُمُعَةِ، أَوْ فِي الشَّهْرِ - قُلَّ أَوْ كَثُرَ - غَيْرَ أَنَّهُ يَدُومُ عَلَيْهِ. وَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَ يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ»، قَالَ: هُوَ الْقَرْضُ يَقْرُضُهُ، وَ الْمَعْرُوفُ يَصْطَنَعُهُ، وَ مَتَاعُ الْبَيْتِ يَعْبِرُهُ، وَ مِنْهُ الزَّكَاةُ. فَقُلْتُ لَهُ: إِنِّ لَنَا جِيرَانًا إِذَا أَعْرَنَاهُمْ مَتَاعَنَا كَسَرُوهُ وَ أَفْسَدُوهُ، فَعَلَيْنَا جَنَاحٌ أَنْ نَمْنَعَهُمْ؟ فَقَالَ: لَا، لَيْسَ عَلَيْكُمْ جَنَاحٌ أَنْ تَمْنَعُوهُمْ إِذَا كَانُوا كَذَلِكَ. قَالَ: قُلْتُ لَهُ: «وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أُسِيرًا؟» قَالَ: لَيْسَ مِنَ الزَّكَاةِ. قُلْتُ: قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً؟» قَالَ: لَيْسَ مِنَ الزَّكَاةِ. قَالَ: قُلْتُ: قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «إِنَّ تُبَدُّوا الصَّدَقَاتِ فَنِعْمًا هِيَ، وَ إِنِّ

تُخْفُوها وَ تُوْتُوها الْفُقراءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ؟ قال: ليس من الزكاة،
و صلتك قرابتك ليس من الزكاة.^{۲۲}

امام صادق «ع»- ابو بصیر می گوید: نزد امام صادق «ع» بودیم و بعضی از مالداران نیز در میان ما بودند که سخن از زکات به میان آمد، فرمود: «زکات چیزی نیست که زکات دهنده بدان ستایش شود، بلکه وظیفه‌ای رسمی است؛ که خون او به آن حفظ می‌شود، و با پرداخت آن، شخص «مسلمان» نامیده می‌شود، و اگر آن را نپردازد، نمازش پذیرفته نیست. و بدانید که در اموال شما حقی ادا کردنی جز زکات نیز هست». گفتم: ^{۲۳} خدا شما را سلامت دارد! چه حقی جز زکات بر ما واجب است؟ فرمود: «سبحان الله! آیا نشنیده‌ای که خداوند در کتابش فرموده است: «وَ الَّذينَ فِي اَمْوالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ* لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ*» گفتم: این حق معلومی که بر عهده ماست چیست؟ فرمود:

«این حقی است که هر کس باید از مال خود روزانه، یا در روز جمعه، یا ماهانه- کم باشد یا زیاد- بپردازد ولی بر آن مداومت کند. نیز این فرموده خدای بزرگ: «وَ يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ» منظور پولی است که به نیازمندی وام دهد، یا کار نیکی است که در حق او به انجام رساند،

^{۲۲} (۱) «کافی» ۴۹۹/۳

^{۲۳} (۲). یعنی: ابو بصیر.

یا اسباب و وسائل خانه است که به او به عاریت دهد، و زکات نیز از این جمله است». گفتم: ما همسایگانی داریم که چون چیزی به ایشان عاریه بدهیم، آن را می‌شکنند و تباہ می‌سازند، اگر از عاریه دادن به چنین کسان خودداری کنیم مرتکب گناهی شده‌ایم؟ فرمود: «اگر چنین باشد بر شما گناهی نیست». گفتم: منظور از این آیه چیست: «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» به دوستی او (خدا)، مسکین و یتیم و اسیر را غذا می‌دهند؟ فرمود: «این زکات نیست». گفتم: این آیه چه؟ «الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً كَسَانِي كَمَا هُمْ» روز و در آشکار و نهان انفاق می‌کنند؟ فرمود: «از زکات نیست». آنگاه از این آیه پرسیدم: «إِنْ تَبَدُّوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ، وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ» اگر آشکارا خیرات کنید، بسیار خوب است، و اگر در نهانی (هدایای خود را) به تهیدستان برسانید، این برای شما بهتر است». فرمود: «از زکات نیست، و صلہ رحم به جا آوردن برای خویشان خود، از زکات نیست».

۱۱ الإمام الرضا «ع» - الوليد بن أبان قال: قلت له: هل على الرجل في ماله سوى الزكاة؟ قال: نعم، أين ما قال الله: «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ...»^{۲۴}

امام رضا «ع» - ولید بن ابان می گوید: از آن امام «ع» پرسیدم که آیا بر عهده شخص در مال خود جز زکات چیزی هست؟ فرمود: «آری، در آنجا که خدا فرموده است: «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ...».

۱۲ الإمام العسكري «ع»: قوله عزّ و جلّ: «وَأَتُوا الزَّكَاةَ»، أي من المال و الجاه و قوّة البدن، فمن المال مؤاساه إخوانك...^{۲۵}

امام عسکری «ع»: این فرموده خداوند: «وَأَتُوا الزَّكَاةَ زَكَاتِ رَا بِيرِدَا زِيد»، یعنی از مال و مقام اجتماعی، و نیروی بدنی، و زکات مالی، پرداختن (بخشی) از مال و مواسات با برادران است ...

ب- «حقّ معلوم»

۱۳ الإمام الصادق «ع» - في حديث: ... لكنّ الله عزّ و جلّ فرض في أموال الأغنياء حقوقاً غير الزكاة، فقال عزّ و جلّ: «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ»، فالحقّ المعلوم غير الزكاة، و

^{۲۴} (۱) «مجمع البيان» ۶ / ۲۸۹.

^{۲۵} (۲) «بحار» ۷۴ / ۲۲۸.

هو شيء يفرضه الرجل على نفسه في ماله، يجب عليه أن يفرضه على قدر طاقته و سعة ماله، فيؤدّي الذي فرض على نفسه، إن شاء في كل يوم، و إن شاء في كل جمعة، و إن شاء في كل شهر. و قد قال الله عزّ و جلّ أيضا: «أَفْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا»، و هذا غير الزكاة. و قد قال الله عزّ و جلّ أيضا: «وَ أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً»، و الماعون أيضا، و هو القرض يقرضه، و المتاع يعيره، و المعروف يصنعه، و ممّا فرض الله عزّ و جلّ أيضا في المال من غير الزكاة، قوله عزّ و جلّ: «الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ». و من أدّى ما فرض الله عليه، فقد قضى ما عليه، و أدّى شكر ما أنعم الله عليه في ماله، إذا هو حمده على ما أنعم الله عليه فيه، ممّا فضّله به من السعة على غيره، و لما وفقه لأداء ما فرض الله عزّ و جلّ عليه و أعانه عليه.^{٢٦}

امام صادق «ع»: ... خداوند بزرگ در اموال توانگران حقوقی غیر از زکات قرار داده و فرموده است: وَ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ، پس حق معلوم، چیزی جز زکات است، و آن مقداری است که هر کس بر خود پرداختن آن را مقرر می‌دارد، و لازم است در

^{٢٦} (١) «وسائل» ٦/ ٢٧ - ٢٨.

حدود توانایی و قدرت مالی او باشد؛ و آن را هر طور خواست: روزانه یا هفتگی یا ماهانه می‌پردازد. نیز خدای بزرگ فرموده است: أَفَرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا به خدا وام دهید، وام دادنی نیکو (و بدون سود)؛ این نیز غیر زکات است. همچنین خدای بزرگ فرموده است: يَنْفِقُونَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً، و همچنین (غیر از زکات) است «ماعون» که عبارت از وامی است که انسان به دیگری می‌دهد، یا کالا و وسیله‌ای است که به عاریت در اختیار کسی می‌گذارد، و نیکی است که در حق دیگری می‌کند. و از جمله واجبه‌های الهی در مال غیر از زکات این فرموده خداوند متعال است: الَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ. هر کس که آنچه را خدا بر او واجب کرده است ادا کند، وظیفه خویش را به انجام رسانیده است، و شکر نعمتی را که خداوند از لحاظ مال به او ارزانی داشته گزارده است، چه در این صورت، خداوند را بر نعمتی که به او داده سپاس گفته است، یعنی اینکه به او امکاناتی بیش از دیگران داده است، و هم او را موفق داشته و مدد کرده است تا بتواند وظیفه خویش را ادا کند.

بنگرید! ظاهر آشکار از اخبار و احادیث رسیده در خصوص «حق معلوم»، آن است که این حق - از جهات مختلف - چیزی جز زکات است، و - از جمله - کسانی را شامل می‌شود که مالشان به حد نصاب نرسیده است، یا اصلاً مال زکاتی ندارند؛ همچنین دیگر هزینه‌ها و

کمک‌هایی را که در این حدیث صادقی ذکر آنها گذشت شامل می‌شود. بنا بر این، «حقّ معلوم»، پرداخت و کمکی است عام، به منظور برآورده شدن نیازمندیهای گوناگون افراد در همه صورتها و اشکال آن در زندگی، بدین گونه نیازهای تازه و وسائل نو، و امکانات مربوط به بهداشت، و آموزش و پرورش، و ایجاد کار، و امکانات استراحتی، و گسترش فرهنگ را در بر می‌گیرد.

ج- به اندازه توانایی

۱۴ الإمام الصادق «ع»: الحقّ المعلوم لیس من الزّکاء، هو الشّیء تخرجه من مالک، إن شئت کلّ جمعاً، و إن شئت کلّ شهر. و لكلّ ذی فضل فضله. و قول الله عزّ و جلّ: «وَإِنْ تُخَفُّوْهَا وَ تُوْتُوْهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ»، لیس هو من الزّکاء. و الماعون لیس من الزّکاء، هو المعروف یصنعه، و القرض یقرضه، و متاع البیت یعیره. و صلّه قرابتک لیس من الزّکاء. و قال الله عزّ و جلّ: «وَ الَّذِیْنَ فِیْ اَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُوْمٌ»، فالحقّ المعلوم غیر الزّکاء، و هو الشّیء یفرضه الرّجل علی نفسه، أنّه فی ماله و نفسه، یجب ان یفرضه علی قدر طاقته و وسعه.^{۲۷}

۲۷ (۱) «وسائل» ۶ / ۳۱.

امام صادق «ع»: «حق معلوم» از زکات نیست، و آن چیزی است که از مال خود- اگر خواسته باشی در روز جمعه یا در هر ماه- جدا می‌کنی. و هر دست دهنده‌ای را فضیلتی است. و این آیه نیز «وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ» از زکات نیست. و «معاون» از زکات نیست، بلکه کار نیکی است که شخص انجام می‌دهد، یا وام دادن به دیگری است، یا کالایی از خانه را به همسایگان و دیگران دادن. صله رحم نیز از زکات نیست. خداوند بزرگ فرموده است: وَ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ، پس حق معلوم غیر از زکات است، و آن مال یا کمکی است که خود شخص بر خود لازم می‌دارد که برای فرد یا جامعه انجام دهد؛ و واجب است که اندازه آن را در خور توانایی و گشایش زندگی خویش تعیین کند.

۱۵ الإمام الصادق «ع» - سئل عن قول الله عزّ و جلّ: في أموالهم حقّ معلومٌ* للسائلِ و المحرومِ؟ قال: هذا شيء سوي الزكاة، و هو شيء يجب أن يفرضه على نفسه كل يوم، أو كل جمعة، أو كل شهر، أو كل سنة. ۲۸

امام صادق «ع»- در باره این آیه: في أموالهم حقّ معلومٌ* للسائلِ و المحرومِ پرسیدند، فرمود: این چیزی جدا از زکات است، و باید هر

۲۸ (۱) «مستدرک الوسائل» ۱ / ۵۱۰.

کس پرداخت آن را به صورت روزانه یا هفتگی یا ماهانه یا سالانه برای خویش مقرر دارد.

د- تقویت اقتصادی مستضعفان

۱۶ الإمام الباقر «ع» - القاسم بن عبد الرحمن الأنصاري قال: سمعت أبا- جعفر «ع» يقول: إن رجلاً جاء إلى علي بن الحسين «ع» فقال له: أخبرني عن قول الله عزّ وجلّ: ... في أموالهم حقّ معلومٌ * للسائلِ والمحرّومِ، ما هذا الحقّ المعلوم؟ فقال له علي بن الحسين «ع»: الحقّ المعلوم، الشّيء يخرج من ماله ليس من الزكّاء و لا من الصدقة المفروضتين. قال: فإذا لم يكن من الزكّاء و لا من الصدقة فما هو؟ فقال: هو الشّيء يخرج من الرجل من ماله، إن شاء أكثر و إن شاء أقلّ، على قدر ما يملك. فقال الرجل: فما يصنع به؟ فقال: يصل به رحماً، و يقوّى به ضعيفاً، و يحمل به كلّاً، أو يصل به أخاه في الله، أو لنائبه تنوبه. فقال الرجل: الله أعلم حيث يجعل رسالته.^{۲۹}

^{۲۹} (۱) «وسائل» / ۶ / ۲۹ - ۳۰.

امام باقر «ع» - قاسم بن عبد الرحمان انصاری می گوید: از امام باقر «ع» شنیدم که می فرمود: «مردی نزد علی بن الحسین «ع» آمد و گفت: به من بگو، منظور از «حق معلوم»، در این آیه: *فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ* لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ*، چیست؟ فرمود: حق معلوم بخشی از مال شخص - جز زکات و صدقه واجب^{۳۰} - است که آن را از مال خود کنار می گذارد». مرد گفت:

اگر از زکات و صدقه نباشد، پس چیست؟ فرمود: «مقداری است که شخص از مال خود کنار می گذارد، خواه زیاد باشد یا کم، به اندازه ای که توانایی ادای آن را دارد». مرد پرسید: انسان با آن چه باید بکند؟ فرمود: «با آن صله رحم می کند، به تقویت ضعیفی می پردازد، بار هزینه ای را از دوش کسی بر می دارد، یا در راه خدا به برادری کمک می کند، و او را از مشکلی می رهاند». پس آن مرد گفت: «خدا خود بهتر می داند که رسالت خویش را در کجا قرار دهد».

۵- زکات غیر رسمی، افزونتر

^{۳۰} (۲). مقصود از «صدقه واجب»، خمس است. صدقه، مالی یا چیزی است که شخص از روی صدق و اخلاص برای خدا می دهد، فقط به قصد ثواب، نه عنوانی دیگر؛ و مراد از «صدقه» در اینجا، صدقه اصطلاحی نیست. و «صدقه» - در واقع - همان مال یا چیزی است که از روی صدق و اخلاص - و با احترام - داده شود، آنچه اغلب مردم از واژه «صدقه» می فهمند، مخالف تربیت روحی و مفهوم دینی اسلامی آن است.

۱۷ الإمام الصادق «ع»: أ ترون أنّما في المال (مال) الزّكّاء وحدها؟ ما فرض الله في المال من غير الزّكّاء أكثر، تعطى منه القراية، و المعترض لك ممّن يسألك.^{۳۱}

امام صادق «ع»: چنان تصوّر می کنید که از مال تنها زکات باید پرداخته شود؟ آنچه خداوند برای بخشیدن به دیگران در مال - بجز زکات - قرار داده است از «زکات» بیشتر است که باید به خویشان فقیر و کسانی که در راه از تو چیزی طلب می کنند داده شود.

و- زکات غیر رسمی، بدون حدّی معین

۱۸ الإمام الصادق «ع»- في قول الله عزّ و جلّ: وَ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ* لِلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ، أ هو سوى الزّكّاء؟ فقال: هو الرّجل يؤتیه الله الثّروه من المال، فيخرج منه الألف و الألفين و الثّلاثه آلاف، و الأقلّ و الأكثر، فيصل به رحمه، و يحمل به الكلّ عن قومه.^{۳۲}

امام صادق «ع»- در باره این آیه: وَ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ* لِلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ، پرسیدند که آیا چیزی جز زکات است؟ فرمود: خداوند به مرد ثروت و مالی می دهد، او هزار یا دو یا سه هزار از آن

^{۳۱} (۱) «وسائل» ۶ / ۲۹.

^{۳۲} (۲) «وسائل» ۶ / ۲۹.

مال یا بیشتر یا کمتر را کنار می‌گذارد، و با آن صله رحم می‌کند، یا بار خرج را از دوش خویشان بر می‌دارد. (این است معنای آیه).

ز- مقداری که زندگی بینوایان را با بی‌نیازی اداره کند

۱۹ الإمام علی «ع»- فیما رواه الإمام الصادق: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ
جَلَّ فَرَضَ عَلَى أَغْنِيَاءِ النَّاسِ فِي أَمْوَالِهِمْ، قَدْرَ الَّذِي يَسَعُ
فُقَرَاءَهُمْ، فَإِنْ ضَاعَ الْفَقِيرُ، أَوْ أَجْهَدَ، أَوْ عَرَى، فَبِمَا يَمْنَعُ الْغَنَى،
فَإِنَّ اللَّهَ مُحَاسِبُ الْأَغْنِيَاءِ فِي ذَلِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ مَعْذِبُهُمْ بِهِ
(بها- خ ل) عذابا أليما. ۳۳

امام علی «ع»- به روایت امام صادق «ع»: خدای بزرگ، در اموال
توانگران مقداری معین کرده است که زندگی بینوایان را اداره کند؛
پس اگر فقیری نابسامان ماند، یا به سختی افتاد، یا پوشاک درستی
نداشت (یا سرپناهی نیافت، یا همسری نگرفت ...) سبب آن
خودداری ثروتمند از دادن حق اوست. و خداوند حساب ثروتمندان
را در روز قیامت از این بابت می‌رسد، و به سبب آن با عذابی دردناک
عذابشان می‌کند. ۳۴

۳۳ (۱) «مستدرک الوسائل» ۱/ ۵۰۶.

۳۴ (۲) (جلد چهارم/ ۵۴۶-۵۶۱).

ح- اهالی شهرها و روستاها و مسئولیت هر یک از آنان نسبت به
یک دیگر

۲۰ النَّبِيُّ «ص»- فیما رواه الإمام الباقر: ما آمن بی من بات
شبعان و جاره جائع. قال: و ما من أهل قرية یبیت فیهم جائع،
ینظر الله إلیهم یوم القیامة. ۳۵

پیامبر «ص»- به روایت امام باقر «ع»: آن کس که سیر بخوابد در
حالی که همسایه‌اش گرسنه باشد، به من ایمان نیاورده است
(همچنین پیامبر اکرم «ص») فرمود: خداوند در روز رستاخیز به
مردم هر آبادی که کسی شب را گرسنه در آن بسر آورد، به نظر
رحمت نگاه نخواهد کرد.

۲۱ الإمام السَّجَّاد «ع»: من بات شبعانا و بحضرته مؤمن جائع
طاو، قال الله عزّ و جلّ: «ملائکتی أشهدکم علی هذا العبد،
إنی قد أمرته فعصانی و أطاع غیری، و وکلته إلی عمله، و
عزّتی و جلالی لا غفرت له أبدا». ۳۶

امام سجّاد «ع»: هر کس سیر به خواب رود و در دسترس او مؤمنی
گرسنه باشد، خدای بزرگ می‌فرماید: «ای فرشتگانم! شما را بر این

۳۵ (۱) «اصول کافی» ۲ / ۶۶۸.

۳۶ (۲) «وسائل» ۱۶ / ۴۶۵.

بنده گواه می‌گیرم، من به او فرمان دادم (که گرسنه را سیر کند)، فرمان مرا نشنید و به فرمانبرداری از دیگری (نفس، شیطان ...) پرداخت، او را به عملش واگذار کردم؛ به عزت و جلالم سوگند که هرگز او را نخواهم بخشید».

ط- راستگویی محرومان و بیمناکی از آن

۲۲ النَّبِيُّ «ص» - فيما رواه الإمام الصادق «ع»: «جاء رجل إلى النَّبِيِّ «ع» قال، يا رسول الله! أفي المال حقّ سوى الزّكاة؟ قال: نعم، على المسلم أن يطعم الجائع إذا سأله، و يكسو العارى إذا سأله. قال: إنّه يخاف أن يكون كاذبا، قال: أ فلا يخاف صدقه؟^{۳۷}

پیامبر «ص» - به روایت امام صادق «ع»: «مردی نزد پیامبر «ص» آمد و گفت: یا رسول الله! آیا در مال حقّی جز زکات وجود دارد؟ فرمود: «آری، بر مسلمان واجب است که گرسنه را چون از او خوراک بخواهد سیر کند، و برهنه را چون از او جامه بخواهد بپوشاند». مرد گفت: ممکن است بیم آن داشته باشد که آن شخص دروغ بگوید. پیامبر «ص» در پاسخ او فرمود: «آیا از راست گفتن او بیمی ندارد؟».

^{۳۷} (۱). «بحار» ۷۵ / ۴۶۱؛ از کتاب «معانی الأخبار».

ی- خطر ترک ادای حقوق

۲۳ الإمام الرضا «ع»: ... إنَّ صاحب النعمة على خطر، إنَّه يجب عليه حقوق الله فيها؛ والله إنَّه لتكون على النعم من الله عزَّ وجلَّ، فما أزال منها على و جل - حرَّك يده - حتَّى أخرج من الحقوق التي تجب لله علىَّ فيها ...^{۳۸}

امام رضا «ع»: ... صاحب نعمت در خطر است، پرداختن حقوق خدا در آن نعمت بر او واجب است؛ به خدای سوگند که خداوند بزرگ نعمتهایی به من می‌دهد؛ و من پیوسته در این باره بیمناکم - و دستش را بنشانه اظهار تأسّف تکان داد - تا آنگاه که از عهده حقوقی که خدا بر من واجب کرده است درآیم (و آنها را به اهلش برسانم) ...

یا- حجتی عظیم بر توانگران

۲۴ الإمام الصادق «ع»: يا سديرا! ما كثر مال رجل قطَّ إلَّا عظمت الحجة لله تعالى عليه، فإن قدرتم أن تدفعوها عن

^{۳۸} (۲). «كافي» ۳/ ۵۰۲.

أَنْفُسِكُمْ فَافْعَلُوا! فَقَالَ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ بَمَاذَا؟ قَالَ: بِقَضَاءِ
حَوَائِجِ إِخْوَانِكُمْ مِنْ أَمْوَالِكُمْ...^{۳۹}

امام صادق «ع»: ای سدیر! مال کسی هرگز افزون نمی‌شود مگر آنکه حجت خدای متعال بر او افزایش یابد، پس اگر می‌توانید خود آن را بپردازید، چنین کنید! سدیر گفت: ای پسر رسول خدا! چگونه چنین کنیم؟ فرمود: «با برآوردن نیاز برادرانتان با اموال خود».

یب- آن کس که از دادن حقوق مالی سرباز زند، نخستین کسی است که وارد دوزخ می‌شود

۲۵ الإمام الرضا «ع» - عن آبائه: قال رسول الله «ص»، في
أول من يدخل النار: ... و ذو ثروة من المال لم يعط المال
حقه.^{۴۰}

امام رضا «ع»- از پدرانش: پیامبر خدا «ص» در باره کسانی که پیش از همه وارد آتش خواهند شد، فرمود: «... و توانگرانی که حق مال را (در مورد نیازمندان و دیگر نیازهای اجتماعی) ادا نکرده‌اند.

^{۳۹} (۱) «امالی» شیخ طوسی / ۱ / ۳۰۹.

^{۴۰} (۲) «بحار» ۷۲ / ۱۲۶.

فرار از غیر مواسی

۸ الإمام الصادق «ع»: خصلتان من کانتا فیه، و إلیا فاعزب، ثمّ اعزب، ثمّ اعزب! قیل: و ما هما؟ قال: «الصلاة فی مواقیتها و المحافظة علیها، و المؤاساة».^{۴۱}

امام صادق «ع»: دو خصلت است که در هر کس باشد (به او نزدیک شو)، و گر نه از او دوری جوی، دوری جوی، دوری جوی! گفتند: آن دو خصلت چیست؟ فرمود: مداومت بر نماز بوقت، و مواسات.

۹- مواسات، وسیله آزمایش (اقتصاد و معیشت)

۹ الإمام الصادق «ع»: امتحنوا شیعتنا عند ثلاث: عند مواقیت الصلاة، کیف محافظتہم علیها؛ و إلی أسرارنا، کیف حفظہم لها عند عدوّنا؛ و إلی أموالہم کیف مؤاساتہم لإخوانہم فیہا؟^{۴۲}

امام صادق «ع»: شیعه ما را با سه چیز امتحان کنید: خواندن نماز بوقت و چگونگی مداومت بر آن، حفظ اسرار ما و چگونگی پنهان داشتن آنها از دشمنان ما، و مواسات مالی با برادران خویش و چگونگی اجرای آن.

^{۴۱} (۲) «بحار» ۷۴ / ۳۹۱.

^{۴۲} (۱) «بحار» ۷۴ / ۳۹۱؛ از کتاب «قرب الإسناد».

رسیدگی به همسایگان (اقتصاد و معیشت)

۲ الإمام الباقر «ع»: ما شیعتنا إلاًّ من اتقى الله و أطاعه؛ و ما كانوا يعرفون إلاًّ بالتواضع و التّخشّع، و أداء الأمانة، و كثرة ذكر الله، و الصّوم و الصّلاة، و البرّ بالوالدين، و تعهّد الجیران من الفقراء و ذوی المسكنة و الغارمین و الأیتام، و صدق الحدیث، و تلاوة القرآن، و كفّ الألسن عن النّاس إلاًّ من خیر؛ و كانوا أمناء عشائرهم فی الأشياء. ۴۳

امام باقر «ع»: شیعه ما نیست مگر آن کس که از خدا پروا داشته باشد و اطاعت او کند؛ شیعه ما را فقط با این صفات و اعمال می توان شناخت:

- فروتنی،- افتادگی،- امانتداری،- ذکر خدا بسیار گفتن (و بسیار به یاد خدا بودن)،- روزه گرفتن،- نماز خواندن،- نیکی کردن به پدر و مادر،- رسیدگی به همسایگان کمبوددار، و نادار، و وامدار، و یتیم،- راستگویی،- تلاوت قرآن،- جز به نیکی از مردم یاد نکردن،- و در محیط خود امین دیگران بودن.

چگونه مؤمن است کسی که میبیند برادر مؤمنش کمرش شکسته ولی کمک نمیکنند: قَالَ الرَّسُولُ صَ أَرْبَعَةٌ مِنْ قَوَاصِمِ الظَّهْرِ إِمَامٌ

۴۳ (۱) «تحف العقول» / ۲۱۵.

يَعِصِي اللَّهَ وَ يُطَاعُ أَمْرُهُ وَ زَوْجَتُهُ يَحْفَظُهَا زَوْجَهَا وَ هِيَ تَحُونُهُ وَ فَقْرٌ لَّا يَجِدُ صَاحِبُهُ لَهُ مَدَاوِيًا وَ جَارٌ سَوْءٍ فِي دَارٍ مُّقَامٍ.^{٤٤}

سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَا أَدْنَى حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَى أَخِيهِ قَالَ أَنْ لَّا يَسْتَأْثِرَ عَلَيْهِ بِمَا هُوَ أَحْوَجُ إِلَيْهِ مِنْهُ.

وَ قَالَ أَيْضًا ع تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ بِمُؤَاسَاةِ إِخْوَانِكُمْ.^{٤٥}

مواسات مالی (اقتصاد و معیشت)

٣ الإمام الباقر «ع» - قال راوی الحديث: قلت لأبي جعفر «ع»: جعلت فداك! إنَّ الشَّيْعَةَ عندنا كثير، فقال: [ف] هل يعطف الغنيَّ على الفقير؟ و هل يتجاوز المحسن عن المسىء؟ و يتواسون؟ فقلت: لا. فقال: ليس هؤلاء شيعه، الشَّيْعَةُ من يفعل هذا.^{٤٦}

امام باقر «ع» - راوی حدیث می گوید: به ابو جعفر (امام باقر) «ع» گفتم: فدایت شوم! شیعیان در نزد ما فراوانند. فرمود: آیا ثروتمندان توجّهی به فقیران دارند؟ آیا نیکان خطاکاران را عفو می کنند؟ و آیا

٤٤. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین و بصیره المتعظین (ط - القدیمة) - ایران

؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۷۵ ش، ج ۲؛ ص ۳۸۷

٤٥. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین و بصیره المتعظین (ط - القدیمة) - ایران

؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۷۵ ش؛ ج ۲؛ ص ۳۸۶

٤٦ (١) « اصول کافی » ٢ / ١٧٣ .

یک دیگر را در دارایی خود شریک می‌سازند؟ گفتیم: نه، فرمود: آنان شیعه نیستند. شیعه کسانی‌اند که این رفتار را داشته باشند.

انفاق دوستی (اقتصاد و معیشت)

۴ الإمام الباقر «ع» - فی خطابه لرجل فخر علی آخر بآنه من شیعه آل محمد الطیبین: ... أمالک معک تنفقه علی نفسک أحبّ إلیک، أم تنفقه علی إخوانک المؤمنین؟ قال: بل أنفقه علی نفسی. قال: فلست من شیعتنا، فإننا نحن ما نفق علی المنتحلین من إخواننا أحبّ إلینا، و لكن قل: أنا من محبّیکم، و من الرّاجین النّجاء بمحبّتکم. ۴۷

امام باقر «ع» - در خطاب به مردی که بر دیگری فخر کرده بود، که از شیعیان خاندان پاک محمد «ص» است: آیا بیشتر دوست داری که مالت را خرج خود کنی یا به برادران دینی خود ببخشی؟ گفت: دوست دارم که به مصرف خود برسانم. فرمود: پس تو از شیعیان ما نیستی. ما آن مال را که به برادران دینی ببخشیم دوستتر داریم؛ تو بگو: من از دوستداران شمایم، و از کسانی که امیدوارم با محبت شما نجات پیدا کنم.

۴۷ (۲) «بحار» ۱۵۶/۶۸.

دیدارها و پیوندها (اقتصاد و معیشت)

۵ الإمام الصادق «ع» - محمد بن عجلان قال: كنت عند أبي عبد الله «ص»، فدخل رجل فسلم، فسأله: كيف من خلفت من إخوانك؟ ... فأحسن الثناء و زكى و أطرى، فقال له: كيف عيادة أغنيائهم على فقرائهم؟ فقال: قليلة. قال: و كيف مشاهدة أغنيائهم لفقرائهم؟ قال: قليلة. قال: فكيف صلة أغنيائهم لفقرائهم فى ذات أيديهم؟ فقال: إنك لتذكر أخلاقا قلّ ما هى فىمن عندنا. قال: فقال: فكيف تزعم هؤلاء أنّهم شيعه؟^{۴۸}

امام صادق «ع» - محمد بن عجلان می گوید: در نزد ابو عبد الله (امام صادق) «ع» بودم، مردی در آمد و سلام کرد؛ پس (از شنیدن جواب سلام)، امام از او پرسید: حال برادرانت - در محل - چگونه است؟ ... آن مرد آنان را ستود و بسیار ستایش کرد. امام فرمود: خیر رسانی ثروتمندانشان به فقیران چگونه است؟ گفت: اندک است. فرمود: رفتن ثروتمندان به دیدار فقیران چگونه است؟ گفت: اندک است. فرمود: کمک مالی مالداران به فقیران از چه قرار است؟ آن

^{۴۸} (۱) «اصول کافی» ۲ / ۱۷۳.

مرد گفت: شما از اخلاق و آدابی می‌پرسید که در نزد ماها کمتر یافت می‌شود. امام فرمود: پس آنان چگونه می‌پندارند که شیعه‌اند؟

قناعت، به منظور برخورداری دیگران (اقتصاد و معیشت)

۶ الإمام الباقر «ع» - فيما خاطب به الشيعة: ... و إن أغنياءكم لأهل القناعة ...^{۴۹}

امام باقر «ع» - در خطاب به شیعیان: ... ثروتمندان شما باید اهل قناعت باشند ...

ولایت اهل بیت «ع» و مواسات (اقتصاد و معیشت) ورع = زهد = کفاف

الإمام الصادق «ع»: ... يا ابن جندب! بلغ معاشر شيعتنا و قل لهم: لا تذهبنّ بكم المذاهب، فوالله لا تنال ولايتنا إلا بالورع، والاجتهاد في الدنيا؛ و مواساة الإخوان في الله. و ليس من شيعتنا من يظلم الناس.^{۵۰}

امام صادق «ع»: ... ای ابن جندب! به شیعیان ما این سخن را ابلاغ کن و بگو:

^{۴۹} (۲) «کافی» ۸ / ۲۱۴.

^{۵۰} (۱) «تحف العقول» / ۲۲۳.

روشهای گوناگون و نادرست مداشته باشید؛ به خدا سوگند که به «ولایت» ما جز با ورع و پرهیزگاری، و تلاش کردن (برای کارهای خیر) در دنیا، و مواسات با برادران برای خدا، نمی‌توان دست یافت. و هر کس به مردمان ستم کند از شیعیان ما نیست.

مواسات و ایمان واقعی

الإمام الصادق «ع»: قال رسول الله «ص»: من واسى الفقير من ماله، و أنصف الناس من نفسه، فذلك المؤمن حقاً.^{۵۱}

امام صادق «ع»: پیامبر خدا «ص» فرمود: «آن کس که فقیر را در مال خویش شریک قرار دهد، و با مردم با انصاف رفتار کند، مؤمن واقعی است.»

مواسات، عمل صالح

۸ الإمام الصادق «ع» - في تفسير قوله تعالى: «وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ»، من سورة «العصر»، قال: يعني بمؤاساة الإخوان.^{۵۲}

امام صادق «ع» - در تفسیر این آیه: «و عملوا الصالحات و کارهای نیکو کردند»، از سوره «عصر»، فرمود: «یعنی از راه مواسات با برادران.»

^{۵۱} (۴) «اصول کافی» ۲ / ۱۴۷.

^{۵۲} (۲) «تفسیر برهان» ۴ / ۵۰۴.

مواسات، رشد عقلی

۷ الإمام الباقر «ع»: أ يجيء أحدكم إلى أخيه، فيدخل يده في كيسه فيأخذ حاجته فلا يدفعه؟ قال الراوي: فقلت: ما أعرف ذلك فينا. فقال: فلا شيء إذا. قلت: فالهلاک إذا؟ فقال: إنَّ القوم لم يعطوا أحلامهم بعد؟^{۵۳}

امام باقر «ع»: آیا چنین هست که کسی از شما نزد برادرش بیاید و دست خود را در جیب او برد و نیاز خود را بردارد، و آن کس او را از این کار باز ندارد؟ راوی حدیث می‌گوید گفتم: در میان خود چنین کسی را نمی‌شناسم. فرمود: در این صورت (از اخلاق دینی) خبری نیست. گفتم: پس با این وضع همه هلاک شدیم؟ فرمود: این جماعت (شیعه) هنوز به رشد عقلی (لازم) دست نیافته‌اند.

* این تعلیم بزرگ به ما می‌فهماند که مواسات اقتصادی و معیشتی، از آثار رشد عقلی و تکامل اجتماعی انسان و تعالی جامعه مردمی است؛ نیز تحقق یافتن جامعه قرآنی در گرو عملی شدن اصل مواسات است.^{۵۴}

^{۵۳} (۱) «اصول کافی» ۲ / ۱۷۴.

^{۵۴} . ترجمه الحیاء ج ۵، ص ۱۵۱ - ۱۵۹.

جلوگیری از درخواست

الإمام علی «ع»: لا یكلف المرء أخاه الطلب إلیه، إذا عرف حاجته. ۵۵

امام علی «ع»: کسی که از نیازمندی برادر خود آگاه باشد، نباید او را به درخواست کردن وادار کند (بلکه باید پیش از درخواست نیاز او را برآورد). ۵۶

برادری و «ایثار مالی»

۶ الإمام الصادق «ع» - أبان بن تغلب قال: ... سألته فقلت: أخبرني عن حقّ المؤمن علی المؤمن؟ فقال: «... یا أبان! تقاسمه شطر مالک؟»، ثم نظر إلیّ فرأی ما دخلنی فقال: «یا أبان! أما تعلم أنّ الله عزّ و جلّ، قد ذکر المؤمنین علی أنفسهم؟»، قلت: بلی جعلت فداک! فقال: «أما إذا أنت قاسمته فلم تؤثره بعد، إنّما أنت و هو سواء. إنّما تؤثره إذا أنت أعطيته من النصف الآخر». ۵۷

امام صادق «ع» - ابان بن تغلب می‌گوید ... از آن امام پرسیدم: از حقّ مؤمن مرا آگاه ساز! فرمود: «ای ابان! مالت را با او نصف کن!»

۵۵ (۱) «تحف العقول» / ۷۵؛ نیز فصل ۵۰، از باب ۱۲ (جلد ششم).

۵۶ . ترجمه الحیاة؛ .

۵۷ (۳) «اصول کافی» ۲ / ۱۷۲.

سپس به من نگاه کرد و چون دریافت که چه حالی به من دست داده است فرمود: «ای ابان! آیا از آن آگاه نیستی که خدای بزرگ در باره کسانی که ایثار (از خود گذشتگی) می‌کنند چه فرموده است؟»، گفتم: فدایت شوم، چرا. آنگاه فرمود: «هنگامی که مالت را با او نصف کنی، ایثار نکرده‌ای، بلکه تو و او با یک دیگر برابرید. هنگامی ایثار کرده‌ای که از نصف دیگر مال نیز به او ببخشی».^{۵۸}

امام سجاد و مؤاسات
از امام علی بن الحسین سجاد «ع»، در «صلوات شعبانیّه» رسیده
است:

«... و ارزقنی مؤاساء من قترت علیه من رزقک، بما وسّعت علیّ من
فضلك»^{۵۹} ...

- به من توفیق ده، تا کسانی را که روزی کمتری داده‌ای، در آن
بیشتر که بهره من کرده‌ای، سهمیم سازم و بهری را به آنان دهم...».
پس کسی که روزی وسیع دارد، باید نسبت به کسانی که با تنگی
و سختی رو به رو هستند، «مؤاسات» داشته باشد، یعنی بهری و
بخشی از مال و امکانات خود را به آنان ببخشد.^{۶۰}

^{۵۸}. ترجمه الحیاه ج ۴، ص ۱۴۱ - ۱۴۶.

^{۵۹} (۱) «مفاتیح الجنان»، اعمال «ماه شعبان».

^{۶۰}. ترجمه الحیاه ج ۴؛ ص ۳۰۶.

وسعت خانه

در برخی از احادیث نبوی، بزرگی و وسعت خانه مورد ستایش قرار گرفته و از اسباب سعادت شمرده شده است

من سعادة المسلم، المسکن الواسع^{۶۱}

- از سعادت مسلمان است داشتن مسکن وسیع). تفقه در احادیث و تعالیم دینی و فهم درست آنها- و جمع بین آنها- ما را به مسائلی راهنمایی می کند:

یک- بزرگی خانه مطلوب و ستوده است، به شرط آنکه از حلال باشد.

دو- اگر از حلال باشد، بسیار بزرگ نخواهد بود، چه- بنا بر احادیثی که در پیش گذشت- حلال نمی تواند چنین (بسیار و فراوان) باشد.

سه- وسعت خانه زمانی مورد ستایش است که وسیله ای برای دست یافتن صاحب خانه به هدفهای شایسته خانوادگی و اجتماعی شود، همچون برپاداشتن جلساتی آموزنده در آن، به منظورهای مفید برای همه مردم، و اطعام مردم، و گسترش دادن روابط خویشاوندی و انسانی و نظایر اینها.

^{۶۱} (۱) «وسائل» ۳ / ۵۵۸، از احادیث نبوی.

وسعت خانه و بزرگی آن، از دیدگاهی دیگر نیز ممکن است ستایش شده باشد؛ و آن مربوط می‌شود به خانواده‌هایی که افرادی چند و فرزندان متعدّد- از دختر و پسر- دارند، که باید اطاقها و محل استراحت و درس خواندن و خوابگاه‌های آنان جدا باشد (چنان که در باره این امر مهم احادیثی نیز رسیده است^{۶۲})، و در زندگی خانوادگی آسوده باشند، و از پاره‌ای تباهیهای اخلاقی و روحی و تربیتی که ممکن است از کوچکی خانه و کمی اطاق و درهم لولیدن افراد پدید آید جلوگیری شود.

و این چگونگی شامل حال هر خانواده‌ای که افرادی چند داشته باشند می‌شود. بنا بر این، وسعت خانه با این هدف مهم- باز هم با رعایت جوانب اقتصاد و ترک اسراف و تجمل زاید- چیزی است پسندیده و جدا از مقوله ساختمانهای تجملی و خانه‌های بزرگ مسرفانه، که موجب غصب و کمبود زمینهایی می‌شود که باید در ساختن خانه برای دیگران به کار آید. ساختمانهای اشرافی و اسراف‌ی، به هزینه‌های بسیار دیگری نیز- برای نگهداری و نظافت و انواع رسیدگی و آرایه- نیاز دارد، چنان که امام سجّاد «ع» می‌فرماید:

۶۲ (۱) «مکارم الاخلاق»/ ۲۵۶؛ «وسائل» ۱۲/ ۱۵۸.

«من أصاب من الدنيا أكثر، كان فيها أشدّ فقراً، لأنّه يفتقر إلى النَّاسِ في حفظ أمواله، و يفتقر إلى كلّ آله من آلات الدنيا»^{۶۳}

- هر کس از مال و منال دنیا بیشتر داشته باشد، نیازمندیهایش بیشتر خواهد شد، زیرا در نگاهداری اموال خود به مردمان دیگر نیاز پیدا می‌کند، و همه گونه وسیله از وسایل دنیوی را باید داشته باشد».

چهار- ستایش و سعت خانه، مجوزی برای پرخرجی ساختمان و آرایش و پیرایش چندان آن و جاه فروشی نخواهد شد، زیرا که «اتراف» و «اسراف» و خودنمایی به هر صورت که باشد ممنوع است؛ بنا بر این، وسعت خانه می‌تواند دارای وضعیتی بسیار بسیار ساده باشد،

پنج- وسعت خانه زمانی ستوده است و از اسباب خوشبختی محسوب می‌شود، که در میان مردم گروههای فراوانی بدون پناهگاه و بدون داشتن یک وجب زمین دیده نشوند.

شش- اگر وسعت خانه خوب است، چرا تنها باید برای تو باشد نه برای دیگری؟ آیا دیگری- مانند تو- آفریده خدا و روزیخوار خدا نیست؟ آیا ممکن است اسلام تجویز کند که در جامعه‌های اسلامی

^{۶۳} (۲) «بحار» ۹۲ / ۷۳.

شماری از مردم از خانه‌های بزرگ لذت ببرند، در حالی که کسانی از نداشتن خانه و مأوی، یا اجاره‌نشینی در خانه‌های خرد با چند سر عائله در هم بلولند، و از اجحاف مالکان در رنج و عذاب و اضطراب روحی بسر برند، و حتی نتوانند بدرستی به عبادت خویش برسند؟ هفت- وسعت خانه- که گاه برای عملی کردن هدفهای مشروع و امور خیریه مورد نیاز واقع می‌شود- می‌تواند به ساده‌ترین صورت و در حدّ مناسب و برای هدفی ارزشی باشد؛ پس این چگونگی با مبارزه معروف اسلام با مصرف آزاد و افراطی، در مورد همه چیز و از جمله خانه و مسکن، منافاتی ندارد.

هشت- اگر بزرگی خانه مایه خوشبختی فرد مسلمان است، پس داشتن اصل خانه نیز- به طریق اولی- مایه خوشبختی و اطمینان روحی و حرمت اجتماعی و رفاه خانوادگی او است. پس لازم است که حکومت اسلامی مردمان را به این حقّ مایه خوشبختی برساند، و به اجرای عدالت در این باره پردازد، و آنچه را که غاصبان و اسرافیان و اترافیان ربوده‌اند از ایشان بازستانند و به کسانی که حقوقشان غصب شده است بازگردانند.

و این امر واجب تنها زمانی می‌تواند عملی شود که با «تکاثر سکنایی» به صورتی قطعی مبارزه شود.^{۶۴}

محدودیت در خوردن و آشامیدن:

صرف شدن خوراکیها و نوشیدنیها و مواد غذایی، بر حسب شرع، از لحاظ کمیّت و کیفیت محدودیت دارد، و انسان نمی‌تواند از آنها جز با اعتدال و میانه‌روی در هر دو جهت کمی و کیفی مصرف کند، هر چند خود مالک آن باشد. و این اعتدال در مصرف، به اعتبار جسمی و روحی برای او خوب و مناسب است، چنان که امام علیّ بن ابی طالب «ع» می‌فرماید:

«من اقتصر فی أكله، كثرت صحته و صلحت فكرته»^{۶۵}

- هر کس در خوراک خود کمتر مصرف کند، سلامتی او افزونتر و فکر او بازتر خواهد بود». و امام ابو الحسن علیّ بن موسی الرضا «ع» می‌فرماید:

«لو أنّ النّاس قصدوا فی المطعم لاستقامت أبدانهم»^{۶۶}

^{۶۴} . ترجمه الحیاء؛ ج ۴ ؛ ص ۲۹۷ - ۲۹۹.

^{۶۵} (۱) « غرر الحکم » / ۲۸۸.

^{۶۶} (۲) « بحار » / ۶۶ / ۳۳۴، از کتاب « المحاسن ».

- اگر مردمان در مصرف خوراک میانه‌روی را پیشه خود سازند، بدن‌هایشان سالم و محکم می‌شود».

و روشن است که دو طرف اندازه میانه- یعنی پرخوری و گرسنگی- هر دو به حال آدمی زیانبخش است، و مواهب جسمی و روحی او را تباه می‌سازد، چنان که امام علیّ بن ابی طالب «ع» می‌فرماید:

«... و إن أجهده الجوع قعد به الضعف، و إن أفرط فی الشبع كظته البطنه»^{۶۷}

- اگر گرسنگی به آدمی فشار آورد ناتوانی او را از پای درخواهد آورد؛ و اگر در سیر شدن افراط ورزد پرخوری او را رنج خواهد داد». پس حدّی که نظام تکوینی (آفرینش)، خوردن و آشامیدن آن را مجاز می‌شمارد، همان است که نظام تشریحی (احکام دینی) نیز روا می‌دارد، یعنی حدّ میانه، نه بیشتر و نه کمتر. بنا بر این پرخوری و شکم‌پرستی خروج از حدّ تکوینی است، و شرع نیز آن را روا نمی‌شمارد

(إذا شبع البطن طغی)^{۶۸}

^{۶۷} (۳) «کافی» ۲۱ / ۸، از «خطبه وسیله».

^{۶۸} (۴) «کافی» ۲۷۰ / ۱۶، از سخنان امام باقر «ع».

- چون شکم سیر شود سر به طغیان برمی‌دارد)^{۶۹}؛ گرسنگی نیز بیرون رفتن از مرز اعتدال است و شرع مخالف با آن است^{۷۰}

^{۶۹} (۵) در این گونه احادیث نظر به گرسنگی عمومی و فقر تحمیلی نیست، بلکه منظور امری تربیتی است، یعنی کم خوردن اختیاری، برای حفظ سلامت بدن و اعتدال روح (و رسیدن مواد غذایی به دیگران). از این رو در حدیث بعدی می‌نگریم که گرسنگی و بیخبر ماندن از گرسنگان نیز تا آن اندازه نکوهش شده است؛ زیرا که آن نیز سلامت بدن و اعتدال روح را بر باد می‌دهد، و انسان جامعه قرآنی باید بدنی سالم و روحی معتدل داشته باشد. تعالیم اسلامی همه در این جهت قرار دارد.

^{۷۰} . ترجمه الحیاء؛ .